



The University Of Tehran Press

Woman in Development and Politics

The Cultural and Social Presence of Women in Local Activities and Organizations: Toward a Model of Women's Activism in the Islamic Republic of Iran

Samaneh Mansouri^{1✉}  | Mojtaba Samadi² 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Social Sciences Education, Farhangian University, Tehran, Iran. E-mail: sa.mansouri@cfu.ac.ir
2. PhD in Communication Sciences, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: samadimahallati@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 24 November 2025 Received in revised form: 2 February 2026 Accepted: 19 February 2026 Published online: 21 January 2026 Keywords: <i>Local Communities,</i> <i>Social Capital,</i> <i>Women's Activism,</i> <i>Women's Non-Governmental Organizations.</i>	Women's participation and agency have been the foundation and execution of at least half of the cultural and social initiatives that have emerged in Iranian society subsequent to the Islamic Revolution. However, there has been a dearth of scholarly research that has concentrated on the position and role of women, with a particular emphasis on cultural and social activities, in the process of shaping and advancing the discourse of the Islamic Revolution. Subsequently, this article endeavors to address the question of how women's cultural and social activism is demonstrated in local and national activities and organizations in Iran, and whether it is feasible to establish a model that elucidates this activism through revolutionary approaches. In order to address this question and extract a model, fifteen semi-structured interviews were conducted with active and successful women who are engaged in the establishment and management of local cultural organizations and activities throughout the country. Consequently, the grounded theory method was employed to identify and analyze the roles of women in these activities and forms of activism, as well as the relevant conditions and contexts, causal factors, strategies and approaches that women adopted, and the consequences and impacts of these forms of women's activism on the local and indigenous ecosystem. Ultimately, a paradigm-based model was developed. This model conceptualizes women's activism as a methodical, problem-solving approach that is rooted in the lived experiences of women, divinely inspired, empowering, simple, and local, obedient to guardianship (Velayat), educational and religious, family-oriented, and methodical in its feminine form.
Cite this article: Mansouri, S., & Samadi, M. (2026). The Cultural and Social Presence of Women in Local Activities and Organizations: Toward a Model of Women's Activism in the Islamic Republic of Iran. <i>Women in Development and Politics</i>, 23(4), 807-841. DOI: https://doi.org/10.22059/jwdp.2026.408694.1008594	
 © The Author(s). Publisher: The University of Tehran Press. DOI: https://doi.org/10.22059/jwdp.2026.408694.1008594	



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

حضور فرهنگی و اجتماعی زنان در فعالیت‌ها و تشکلهای محلی: به سوی الگوی کنشگری زنان در جمهوری اسلامی ایران

سمانه منصوری^۱ | مجتبی صمدی^۲۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: sa.mansouri@cfu.ac.ir۲. دکتری علوم ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: samadmahallati@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	حداقل نیمی از کنش‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایرانی پس از انقلاب اسلامی مبتنی بر مشارکت و نقش‌آفرینی زنان شکل گرفته و در جریان است. از آنجا که کمتر پژوهش و بررسی علمی به جایگاه و نقش زنان با محوریت فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در مسیر جریان‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته است، این مقاله به این پرسش پاسخ می‌دهد که نحوه کنشگری فرهنگی و اجتماعی زنان در فعالیت‌ها و تشکلهای محلی و سراسری در ایران چگونه است و آیا می‌توان الگویی برای توصیف این کنشگری مبتنی بر رویکردهای انقلابی تبیین کرد. برای پاسخ به این پرسش و استخراج الگو، ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با زنان فعال و موفق در ایجاد و راه‌اندازی این تشکلهای فعالیت‌های فرهنگی محلی در سراسر کشور صورت گرفت. سپس با استفاده از تکنیک تحلیل داده‌بنیاد، نقش زنان در این فعالیت‌ها و کنشگری، شرایط و زمینه‌های دخیل، علل و راهبردهای اتخاذشده از سوی زنان و همچنین پیامدها و آثار این کنش‌های زنانه در زیست‌بوم محلی و بومی استخراج شد و در نهایت الگویی مبتنی بر مدل پارادایمی به‌دست آمد. در این مدل، پدیده کنشگری زنانه حلال مسائل، تجربه‌گر زیست زنانه، یداللهی، توانمندساز، ساده و محلی، ولایت‌پذیر، تربیتی و دینی، خانوادگی و روشمند زنانه توصیف شده است.
کلیدواژه‌ها:	
اجتماعات محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد زنانه، سرمایه اجتماعی، کنشگری زنان.	

استناد: منصوری، سمانه و صمدی، مجتبی (۱۴۰۴). حضور فرهنگی و اجتماعی زنان در فعالیت‌ها و تشکلهای محلی: به سوی الگوی کنشگری زنان در جمهوری

اسلامی ایران. زن در توسعه و سیاست، ۲۳ (۴)، ۸۰۷-۸۴۱. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2026.408694.1008594>DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2026.408694.1008594>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

توجه و پرداخت به نقش و جایگاه زنان در شکل‌دهی و راهبری جامعه ایرانی از موضوعاتی است که کمتر به آن پرداخته شده است. همچنین فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی زنان با هدف‌گذاری مشخص و در راستای انقلاب اسلامی ایران که روح جمعی ایرانیان را تحت تأثیر قرار داده، مورد غفلت اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم انسانی و اجتماعی در کشور ایران واقع شده است. نزدیک‌شدن به ابعاد این اثرگذاری و ترسیم زوایای آن با محوریت زنان که بتواند بخش قابل‌توجهی از بار تحولات درونی جامعه ایرانی را به دوش کشد و علی‌رغم یک هجمه تمام‌عیار فرهنگی و اجتماعی از سوی فرهنگ غربی خود را بارور سازد و همچنان انقلاب اسلامی را در گام دوم خود به‌پیش ببرد، نقطه تمرکز این پژوهش است.

در میان آمارهای متفرقه که از تحول زنانه در جامعه ایران سخن به میان می‌آورند، شاید محققان علوم اجتماعی براساس پارادایم فکری خود رشد و گسترش تشکلهای زنان را نقطه مثبتی در این کارنامه ذکر کنند که خود نشان از تحول و نقش‌آفرینی جدی زنان در ساخت اجتماعی ایران دارد؛ چنان‌که طبق آمار معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۷، تعداد نهادها و تشکلهای زنان و مرتبط با خانواده در ایران به بیش از ۲ هزار و ۷۰۰ تشکل رسیده است (Islamic Republic News Agency [IRNA], 2019). این در حالی است که قبل از انقلاب اسلامی کمتر از ۳۰ عدد را شامل می‌شد. این آمار خود نشان‌دهنده توسعه‌ای عمیق و گسترده برای تحول و پیشرفت با محوریت و کنشگری زنان است، اما ابعاد دیگر این تحول با عرصه‌های تحقق‌یافته برای زنان در قالب تشکلهای محلی دیگر که کمتر در این جنس از آمارها قرار می‌گیرد، بهت و حیرت جامعه‌شناسانه را برمی‌انگیزد. یکی از این بخش‌ها گسترش و فعالیتهای زنان در قالب پایگاه‌های بسیج محلات در سراسر کشور است. چنان‌که طبق اظهارات سردار حیدر بابا احمدی در سال ۱۴۰۱، ۶۰ هزار پایگاه بسیج مساجد در کشور وجود دارد (Mehr News Agency, 2022) که تقریباً نیمی از آنان با محوریت زنان در شهرها و روستاهای کشور در حال فعالیت‌اند و نقشی کلیدی در مسیر جامعه‌سازی ایرانی ایفا می‌کنند. البته تشکلهای و کنشگری‌های زنان به این موارد محدود نمی‌شود؛ چرا که فعالیتهای غیررسمی و سازمان‌نیافته در قالب گروه‌ها و تشکلهای غیررسمی نیز بخش دیگری از این تحول و توسعه است. اما با این گستره تاکنون کمتر پژوهشی به تبیین و توصیف چنین کنش‌هایی در جامعه ایران پرداخته است. چنین تبیینی می‌تواند به بازسازی این حرکت و تحول و نیز الگوسازی اصیل در جامعه ایران و تفکر انقلاب اسلامی با محوریت موضوع زنان در سطح منطقه‌ای و جهانی یاری رساند. استخراج چنین الگویی مسیر را برای فهم و تبیین کنشگری

زنان در جامعه ایرانی و چالش‌ها و مسائل پیش‌روی آن‌ها و درنهایت، سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی مختص فعالان و کنشگران زن در جامعه ایرانی فراهم می‌کند.

برای کنکاش و این مذاقه پا به میدان این نوع از کنشگری‌ها گذاشتیم و برخلاف اینکه صرفاً به زنانی که خود را براساس ملاک و معیارهایی چون دموکراسی و آزادی غربی و لیبرال و اقتصاد نظام سرمایه‌داری به‌عنوان الگو و شاخص برای جامعه ایرانی ترسیم کنند (چنان‌که الگوسازی از سلب‌ریتی‌ها و یا کنشگران اپوزیسیون سیاسی جمهوری اسلامی و نحله‌های فمینیسم لیبرال و رادیکال سال‌هاست مبتنی بر تلاش جریان فکری غرب‌گرا در ایران و جامعه دانشگاهی برای زن ایرانی و هویت ایرانی تبیین و ترویج می‌شود)، واحد و شاخص را فعالان و کنشگران انقلابی در جامعه ایرانی تبیین کردیم، یعنی همان افرادی که در سطح محله، خانواده و اطرافیان خود به‌عنوان یک کنشگر فرهنگی و اجتماعی توانسته‌اند، نقش کلیدی در تبیین آرمان‌های انقلاب اسلامی، اهداف انقلاب و آرزوهای بزرگی که انقلاب اسلامی برای جامعه ایرانی ترسیم کرده است، گام بردارند و تا همین لحظه، در مقابل هجمه غرب بر فرهنگ ایرانی-اسلامی ایستاده‌اند. برای تبیین چنین کنشگری‌ای مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌مند را با این افراد صورت دادیم و سعی کردیم در حین احصای نحوه کنشگری آن‌ها این نوع از فعالیت‌ها و کنشگری‌ها را صورت‌بخشی نظری کنیم. به این ترتیب مبتنی بر راهبرد پژوهشی تحلیل داده‌بنیاد، الگویی از این فعالیت‌ها ترسیم شد که قطعاً نیازمند بازنگری و اصلاح توانمند است.

از همین رو پرسش اصلی این پژوهش این است که نحوه کنشگری فرهنگی و اجتماعی زنان در فعالیت‌ها و تشکل‌های محلی و سراسری در ایران پس از انقلاب اسلامی چگونه است و آیا می‌توان الگویی برای توصیف این کنشگری مبتنی بر رویکردهای انقلابی تبیین کرد؟ لذا تبیین پدیده کنشگری زنان مبتنی بر رویکرد انقلاب اسلامی و حتی اتخاذ راهبردها و پیشنهادهای راهبردی برای گسترش این الگو این پژوهش را بسیار متمایز کرده است، و علاوه بر این، با احصای نحوه کنشگری‌ها و حتی اشاره به برخی پیامدها که آثار منفی را براساس و نهاد خانواده در پی دارد، در تلاشیم تا سایر محققان به ارائه پیشنهاد راهکارهای اصلاحی ترغیب کنیم.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه تجربی

پیشینه پژوهش حاضر در دو بخش مقالات و پژوهش‌های مرتبط غیرفارسی و فارسی قابل دسته‌بندی است. در میان آثار غیرفارسی‌زبان، بریس و همکاران^۱ (۲۰۲۵) در مقاله «فقر زمانی: پیامدی ناخواسته از مشارکت زنان در انجمن‌های کشاورزان» به بررسی مشارکت زنان در تشکلهای کشاورزی پرداخت و نشان داد عضویت زنان در این تشکلهای با توانمندسازی فردی و افزایش رفاه ذهنی آنان همراه بوده است، اما به دلیل مسئولیت‌های خانگی با فقر زمانی مواجه می‌شوند و مجبورند کارهای خانه و تشکلی را مدیریت کنند که این خود برای زنان بار مضاعف ایجاد می‌کند. پیرا و همکاران^۲ (۲۰۲۵) در مقاله خود درباره حضور زنان در مجامع محلی و ایجاد اتحادیه‌ها و تشکلهای محلی در اسپانیا سخن گفتند. به عقیده آنان حضور زنان در ساختارهای محلی موجب پیشرفت فرایند ادغام جنسیتی در سیاست‌گذاری‌های شهری می‌شود. هرچه شبکه‌سازی زنان در نهادهای سازمان‌های محلی پررنگ‌تر باشد، احتمال اعمال سیاست‌های جنسیتی نیز بیشتر می‌شود؛ چرا که مشارکت زنان نه فقط به صورت نمادین، بلکه در شکل دادن به سیاست‌ها و سازمان‌ها نقش اساسی دارد. جاستین و همکاران^۳ (۲۰۲۵) در بررسی نظام‌مند سی سال تحقیق درباره گروه‌های خودیاری زنان دریافت که خودیاری زنان در سطح ملی ابزاری مهم برای ارتقای رفاه و توسعه پایدار است و این نوع تشکلهای نقشی فراتر از فضای رسمی دولت‌ها دارد و به تقویت سرمایه اجتماعی زنان کمک می‌کند. ژانگ^۴ (۲۰۲۴) در مقاله خود به نقش زنان در مارکت اجتماعی در مناطق روستایی پرداخت و به این نتیجه رسید که زنان می‌توانند به عنوان عاملان تغییر در سازمان‌های اجتماعی محلی در چین عمل کنند و زنان فعال و توانمند اجتماعی در بحران‌ها می‌توانند نقش‌های واسطه را ایفا کنند. ژانگ در نهایت به راهبردهای عملی برای تقویت عاملیت زنان در جامعه محلی پرداخت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ژولیا کمپبل^۵ (۲۰۱۶) در دانشگاه لاند^۶ در دپارتمان علوم سیاسی با عنوان «سازمان‌های مردم‌نهاد محلی و توانمندسازی زنان توسط آنان: مطالعه میدانی روی فشار و اجبار مشارکت سیاسی زنان در برمه» اشاره کرد. کمپبل کار خود را مبتنی بر مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌مند با فعالان سازمان‌های

1. Barrios et al.

2. Pereira et al.

3. Justin et al.

4. Zhang

5. Julia Campbell

6. Lund University

مردم‌نهاد برمه که بر حقوق زنان متمرکزند سامان داد و از آنجا که این سازمان‌ها در برمه همواره به دنبال افزایش مشارکت سیاسی زنان هستند و به دلیل موانع دولتی و هنجارهای ریشه‌دار در فرهنگ برمه به دنبال اتخاذ راهبردهای جدیدی برای افزایش مشارکت زنان‌اند، رویکردهایی مانند آموزش در سطح عمومی، ایجاد درک متقابل بین سازمان‌های مردم‌نهاد و اجراکنندگان، شبکه‌سازی گسترده بین سمن‌ها و درنهایت اتخاذ رویکرد دینی به اجتماع را دستور کار خود قرار داده‌اند و توانسته‌اند مشارکت سیاسی را افزایش دهند و در این میان، شبکه‌سازی اقدامی مهم در امر توانمندسازی زنان در این سازمان‌ها به‌شمار می‌آید. اثر دیگر، مقاله لنکا و آگاروال^۱ (۲۰۱۷) است که محققان از طریق مصاحبه‌های عمیق تلاش کردند تا عواملی را که موجب ترویج کارآفرینی زنان در اتاراکند می‌شوند شناسایی کردند و درنهایت سیاست‌گذاران و محققان را به تمرکز بر برنامه‌های توسعه‌ای در راستای کارآفرینی زنان فراخواندند. اما کار پژوهشی آدیتی میترا^۲ (۲۰۱۱) با عنوان «سازمان‌دهی فمینیستی در هند: مطالعه زن در سمن‌ها» از طریق مصاحبه با ۲۱ زن که در سمن‌هایی با مأموریت و ساختار فمینیستی مشغول فعالیت‌اند، انگیزه شخصی و فرصت‌های پیچیده مرتبط با مشاغلشان را بررسی کرد. مقاله «شمولیت زنان در توسعه: پناهندگان گواتمالایی و سمن‌های محلی» نوشته بلو^۳ (۲۰۰۵) نیز تجربیات یکی از سازمان‌های زنان گواتمالایی را در دو مکان خیلی متفاوت مطالعه و تأکید کرد که مشاوره و مشارکت خود زنان برای موفقیت و دسترسی به نتایج برای آن‌ها در پروژه‌های توسعه امری ضروری است.

در ایران، مقاله «تحلیل الگوی کنش فعالان زن در احزاب و سمن‌ها طی دهه‌های هفتاد و هشتاد شمسی» اثر صحنه سرائی، خستو و مقیمی (۲۰۲۲) کنشگری زنان را محور قرار داد و به بررسی مشکلات زنان کنشگر در دو دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ با رویکرد سیاسی پرداخت و نشان داد سازمان‌های مردم‌نهاد سیاسی بیش از احزاب در ایران موفق بوده‌اند و وضعیت بهتری را برای حضور و مشارکت زنان فراهم آورده‌اند. محبوبی شریعت پناهی و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی رابطه عوامل مؤثر در مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به حقوق شهروندی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که عوامل اجتماعی درونی و بیرونی بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی در ایران از اهمیت زیادی برخوردارند و درآمد سمن‌ها و درآمد زنان بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی در ایران بسیار اثرگذار است. در پژوهش علوی (۲۰۲۰) با عنوان

1. Lenka & Agarwal

2. Aditi Mitra

3. Sarah aBlue

«شکاف جنسیتی در کنشگری زیست‌محیطی: یک تحلیل جامعه‌شناختی» به تفاوت نوع کنشگری مردان با زنان پرداخته شد؛ چنان‌که در مطالعه نمونه‌ای ۳۷۵ نفری در استان آذربایجان شرقی مشخص شد که کنشگری مردان در سطوح اساسی و بااهمیت است؛ درحالی‌که کنشگری زنان در سطوح حمایتی و کم‌اهمیت روی می‌دهد.

در سوی دیگر، بخشی از پژوهش‌ها بیشتر به بررسی آثار سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با زنان و مشارکت آن‌ها پرداخته‌اند؛ چنان‌که در پژوهش پیرویی و شیرخانی (۲۰۲۰) با عنوان «نقش مشارکت زنان در توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)»، ۱۸۰ بانوی فعال عضو سازمان‌های مردم‌نهاد شهر تهران که در زمینه آسیب‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند، مورد توجه قرار گرفت؛ هرچند فقط عاملیت کمک‌های مادی را در توسعه توانایی‌های سمن‌های زنان برجسته کرد. بادسار و قاسمی (۲۰۱۷) در «تحلیل جنسیتی مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد» افزایش حضور زنان در عرصه‌های گوناگون را موجب کاهش چشمگیر شکاف‌های جنسیتی دانستند و محسنی و همکاران (۲۰۱۶) با «بررسی عامل‌های مؤثر بر انگیزه مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد»، پس از بررسی ۴۰۰ نفر از فعالان سمن‌ها، عوامل اجتماعی برانگیزنده مشارکت زنان را در سمن‌ها شناسایی کردند و تلاش کردند تا حیطه‌های فعالیت‌ها را دسته‌بندی کنند. ملک‌زاده (۲۰۱۷) نیز در مطالعه «زنان و مؤسسات خیریه رفاهی-بهداشتی ایران از مشروطه تا پایان حکومت پهلوی اول» به بررسی تاریخی فعالیت‌ها و مؤسسات زنان در دوران مشروطه تا پهلوی دوم پرداخت و مروری تاریخی بر این رویدادها کرد و از این جهت نوعی آگاهی تاریخی در این زمینه فراهم آورد.

با مرور این پژوهش‌ها می‌توان گفت هرچند از نظر روش‌شناختی و مطالعه در میدان کنشگری زنان این آثار جمع‌آوری داده از طریق روش مصاحبه را پیشنهاد می‌دهند، اما رویکرد اصلی و مدنظر این مقاله‌ها یعنی ارائه یک الگوی تبیینی و توصیفی از نحوه کنشگری زنان به‌ویژه در ایران تابه‌حال مورد غفلت قرار گرفته است؛ ضمن اینکه جای خالی رویکرد تاریخی تمام‌عیار چه در بعد داخلی و جهانی بسیار احساس می‌شود.

۲-۲. پیشینه نظری

۲-۲-۱. سازمان‌های مردم‌نهاد

امروزه وقتی صحبت از تشکلهای محلی و فعالیتهای گروهی و غیردولتی در حوزه فعالیت‌های اجتماعی به میان می‌آید، اولین ساختار و مفهومی که بیش از همه به کار می‌رود و به آن پرداخته

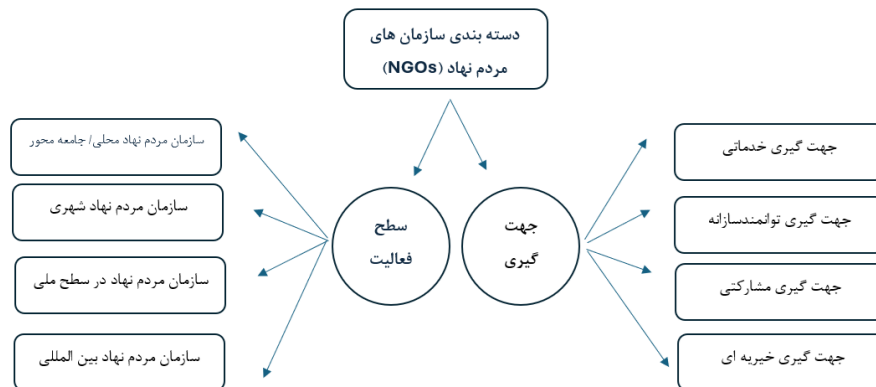
می‌شود، واژه سازمان مردم‌نهاد (به اختصار سمن) به معنی سازمان غیردولتی^۱ است. سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای مختلف با توجه به فرهنگ آن کشور، برای انجام امور داوطلبانه با گرایش‌های فرهنگی، خیریه‌ای، محیط‌زیست، بشردوستانه و... در چارچوب قوانین کشورها فعالیت می‌کنند. این سازمان‌ها معمولاً با همت افرادی پدید می‌آیند که تلاش بی‌قیدوشرط و خالصانه و بدون چشم‌داشت را سرلوحه عمل خویش قرار می‌دهند و هرچند معمولاً بدون حمایت دولت‌ها در جامعه شکل می‌گیرند، اما دارای تعاملات و ارتباطات دوجانبه با دولت‌ها هستند. سازمان‌های مردم‌نهاد یک پدیده اجتماعی محسوب می‌شوند و به‌نوعی بستر تأثیرگذاری آحاد جامعه را طی جریان‌ها و فرایندهای تخصصی فراهم می‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفت مشارکت در این سازمان‌ها سبب تشویق افراد جهت انجام خدمت به یکدیگر و احساس تعهد به یکدیگر است (Gharamaleki & Eskandari, 2009, as cited in Pirveisi & Shirkhani, 2020: 116).

از سوی دیگر و در تعریفی دیگر، در تعریف سازمان مردم‌نهاد (سمن) یا همان سازمان‌های غیردولتی (NGO) می‌توان گفت گروه‌هایی متشکل از افراد علاقه‌مند به رفع یک معضل در جامعه هستند که داوطلبانه برای رسیدن به یک هدف مشترک، به شکل دولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی فعالیت می‌کنند (Golshan-Pazhouh, 2007, as cited in Pirveisi & Shirkhani, 2020: 120).

۲-۲-۲. انواع سمن‌ها و کارکردهای آن‌ها با محوریت زنان

اگر بخواهیم انواع سازمان‌های مردم‌نهاد را برشماریم، شباهت بسیاری به نمونه‌های داخلی حتی در قالب فعالیت‌های مردمی و تشکلاتی دارد که امروزه تحت عنوان «سازمان بسیج مستضعفین» در ایران پس از انقلاب اسلامی پدیدار شده‌اند؛ هرچند در قالب‌های رسمی اقدام به فعالیت نمی‌کنند و همه مبتنی بر ظرفیت ایده بسیج فعالیت می‌کنند. با این حال، سمن‌ها را از نظر سطح عمل و فعالیت می‌توان در چهار دسته قرار داد: ۱. مبتنی بر اجتماع، ۲. گستره شهری، ۳. سطح ملی و ۴. بین‌المللی و از نظر جهت‌گیری نیز در چهار دسته جای داد: الف) ارائه خدمت، ب) توانمندسازی، پ) مشارکت، و ت) خیریه (Role and Functions of NGOs, 2022).

1. non-governmental organization (NGO)



شکل ۱. الگوی دسته بندی سازمان های مردم نهاد براساس سطح فعالیت و نوع جهت گیری
منبع: Role and Functions of NGOs, 2022

البته این تقسیم بندی ها را می توان در حیطه سمن های زنان و فعالیتهای آنان نیز به کار برد، اما گاهی این تقسیم ها وقتی با محوریت زنان صورت می گیرد، چندان گویای وضعیت واقعی کنشگری زنان نیست؛ چنان که طبق گزارشی که بادسار و قاسمی (۱۳۹۶) به نقل از مرکز اطلاع رسانی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ ارائه می دهند، کارکردهای سمن های زنان در ایران براساس رویکردها در چهار دسته جای می گیرند که نشان از تقلیل گرایی در جهت فعالیتهای و کنشگری های زنان دارد و شاید با واقعیت های عرصه و میدان کنشگری های آنها دارای فاصله است: الف) رویکرد افزایش رفاه اجتماعی و اشتغال زایی؛ در این رویکرد، به دلیل اینکه زنان جزو اقشار آسیب پذیر اجتماع محسوب می شوند، تلاش ها در راستای ایجاد تشکلهایی برای جذب و توزیع ابزار کار و سرمایه یا آموزش مهارتها است؛ ب) رویکرد پژوهشی؛ این رویکرد شامل شناسایی راهکارها و برنامه ریزی اصولی برای دستیابی به وضعیت بهینه برای زنان است؛ پ) رویکرد توسعه سیاسی و اجتماعی؛ در این رویکرد، هدف دستیابی به عدالت اجتماعی است و توانمندسازی زنان نقشی کلیدی در این عرصه دارد؛ ت) رویکرد فرهنگی؛ در این رویکرد، زنان ایجادکننده زیرساخت های فرهنگی در کشور تلقی می شوند و کانون های فرهنگی بخشی از این تلاش ها است (Badsar & Ghasemi, 2017).

از همین رو می توان گفت سازمان های مردم نهاد از جمله سمن هایی با محوریت زنان در زمینه های گوناگونی مانند دسترسی مردم به خدمات آموزشی، سلامت، ارتقای کیمیت و کیفیت کاهش هزینه های خدمات اجتماعی به دلیل سهولت دسترسی در گروه های آسیب پذیر، کاهش جرم در

محله و منطقه و افزایش سرمایه اجتماعی از طریق ارتقای مشارکت و نیز رفع و کاهش و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و مقابله با وقوع آن و همچنین افزایش بازدهی طرح‌های دولتی را برعهده دارند (Afzali et al., 2018; Moein al-Dini et al., 2014; Clayton, Oakley, & Taylor, 2000; Hilborn & Leps, 2005, as cited in Pirveisi & Shirkhani, 2020: 117). همچنین فعالیت‌های این سمن‌ها در حیطه‌هایی مانند آسیب‌های اجتماعی، توان‌بخشی، محیط‌زیست، امور بشردوستانه و نظایر آن فعالیت می‌کند و دوربودن از سیستم بروکراسی بخش دولتی و منفعت‌طلبی بخش خصوصی، با تأثیرگذاری در وضع و اجرای سیاست‌های اجتماعی، بازوی قدرتمندی برای دولت‌ها محسوب می‌شوند (Varavai, Mohammadi, & Nourian, 2016, as cited in Pirveisi & Shirkhani, 2020: 120).

۲-۲-۳. زنان و سمن‌ها

در ایران پژوهش‌های متعددی درباره عوامل مشارکت زنان در فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد صورت گرفته است. محسنی و همکاران (۱۳۹۲) عواملی مانند رضایت از زندگی، عضویت اعضای خانواده در سمن‌ها، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان، میزان مصرف رسانه‌ای و آگاهی سیاسی زنان، پایگاه اقتصادی و درنهایت انسجام خانوادگی را به‌عنوان عوامل اثرگذار برای فعالیت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد برشمرده‌اند. همچنین مطابق پژوهش پیروسی و شیرخانی (۱۳۹۹) مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد در راستای توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد، زنان از طریق «کمک‌های مادی»، «نشست‌های مستمر و هدفمند»، «خدمات مشاوره‌ای»، «آموزش در ارتقا فرهنگ» و «فعالیت‌های نمادین» می‌توانند نقش مؤثری در توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد داشته باشند و از سوی دیگر عمده‌ترین موانع در این مسیر وجود ایدئولوژی مردسالارانه، نابرابری جنسیتی و فرهنگ سنتی جامعه است (Pirveisi & Shirkhani, 2020: 124).

۲-۲-۴. زمینه‌ها و مرور تاریخی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در

ایران

در فهرست راهنمای وقف استان تهران با تمرکز بر دوره قاجار، تعداد ۱۱۶۰ مدخل به چشم می‌خورد که از این تعداد، ۱۷۰ مورد به نام زنان ثبت شده است (Werner, 1999: 115-122, as cited in Malekzadeh, 2017: 234) که در نوع خود از نظر بازنمایی نقش زنان درخور توجه است. از سوی دیگر، در سال‌های ابتدایی بعد از مشروطه نخستین حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی در چارچوب

مسائل سیاسی بود، اما به دنبال مطالعات اجتماعی زنان، عرصه فعالیت‌های آنان با ایجاد انجمن‌ها و جمعیت‌هایی مخصوص برای زنان متحول شد (Malekzadeh, 2017: 252).

«با پیروزی انقلاب مشروطه، شمار زیادی از زنان ایرانی دوش‌به‌دوش مردان در فعالیتهای مشروطه‌خواهی شرکت کردند، ضمن اینکه به ایجاد انجمن‌ها و جمعیت‌های مخصوص بانوان مبادرت ورزیدند. این در حالی بود که اوضاع فرهنگی و اجتماعی جامعه، فضای مناسبی برای فعالیتهای اجتماعی زنان نبود. از این‌رو غالب این اقدامات مخفیانه صورت می‌گرفت» (Malekzadeh, 2017: 236). این روند در دوران پهلوی اول تغییرات و تحولات جدی پیدا کرد که می‌توان به نمونه‌هایی مانند بنگاه خیریه بانوان نیکوکار اشاره کرد که نگهداری از ۷۸ دختر و پسر یتیم را برعهده داشت و حتی آنان را به یادگیری فنون خاصی مانند خیاطی، موسیقی و... ملزم کرده بودند. یا انجمن خیریه زنان ارمنی تهران که در سال ۱۹۰۵ بنیان‌گذاری شد و هدفش کمک به افرادی بود که توانایی کارکردن نداشتند یا رساندن کمک‌های پزشکی و دارویی به بیماران و ایجاد کار برای بیکاران (Malekzadeh, 2017: 237-239).

البته سیر تحولات این انجمن‌ها و گروه‌ها و جمعیت به تناسب تغییرات در اوضاع و احوال اجتماعی کشور دچار تغییراتی شد؛ چنان‌که با چراغ سبز حاکمیت به رشد ارزش‌های اسلامی برای مقابله با کمونیسم انجمن‌های اسلامی با محوریت فعالیتهای زنان نیز ایجاد شد؛ چنان‌که این انجمن‌ها در سال‌های ۱۳۲ تا ۱۳۲۵ رشد چشمگیری پیدا کردند. هدف اصلی این انجمن‌های زنانه، آگاه‌کردن زنان درباره مسائل اجتماعی و انجام‌دادن کارهای خیریه به نفع افراد کم‌درآمد و تشکیل کلاس‌های سوادآموزی برای زنان و دختران بی‌سواد بود، مانند انجمن خیریه بانوان ارمنی، جمعیت پرورش کودک، انجمن مبارزه با بی‌سوادی که حتی در سطوح محله‌های مختلف نیز این جمعیت‌ها گسترش پیدا کردند و هدف‌هایی مانند تأمین بهداشتی و آبادانی محله را دنبال می‌کردند (Malekzadeh, 2017: 241-242).

این روند و فعالیتهای با پیروزی انقلاب اسلامی جلوه دیگری پیدا کرد؛ چنان‌که نقش‌آفرینی در پشت جبهه‌های جنگ هشت‌ساله ایران و عراق یکی از نمونه‌های بسیار قابل‌توجه در این زمینه محسوب می‌شود. اما شکل و ارزیابی در قالب سمن‌ها که شکلی غیربومی برای احصای این مشارکت و نقش‌آفرینی است، در پژوهش‌ها نمود یافته است؛ برای مثال، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۳۷۹ میزان فعالیت زنان در حوزه‌های سیاسی ۱۰ درصد، صنفی ۱۶ درصد، خیریه‌ای ۲۴ درصد، زیست‌محیطی ۵ درصد، حقوقی ۵ درصد، آموزشی ۶ درصد، تحقیقاتی ۷ درصد، بهداشتی ۳ درصد و اجتماعی ۷ درصد بوده است. این به‌نوعی نشان می‌دهد میزان فعالیتهای زنان در

مشارکت‌های اجتماعی بسیار بیشتر از فعالیت‌های سیاسی بوده است (Samai Sahne Sarai, (Khashto, & Moghimi, 2022: 261).

۲-۲-۵. سرمایه اجتماعی و کنشگری زنان

نقطه کلیدی فعالیت‌ها و کنش‌های فعالان و کنشگران اجتماعی از جمله زنان، توجه به موضوع سرمایه اجتماعی است و این فعالیت‌ها در قالب‌هایی مانند بسیج مردمی و سازمان‌های مردم‌نهادها و کانون‌ها و مؤسسات فرهنگی و اجتماعی، همه در چارچوب نظریه سرمایه اجتماعی قابل تحلیل و بررسی خواهد بود.

مفهوم اصلی نظریه سرمایه اجتماعی را می‌توان در سه کلمه بیان کرد: ارتباطات مهم هستند و از همین رو است که طبق نگرش و تبیین پاتنام از سرمایه اجتماعی، این مشخصات اجتماعی تشکیلات مانند اعتماد، معیارها و شبکه‌ها است که با تسهیل کردن عملیات هماهنگ‌شده می‌توانند کارایی جامعه را بهبود بخشند و از این رو است که چنین فعالیت‌هایی در روند تغییرات و اثرگذاری در سطح جامعه نقشی کلیدی دارند (Field, 2006: 5). نقش‌آفرینی و کنشگری زنان در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در راستای همین سرمایه اجتماعی می‌تواند بررسی شود و حتی نوع اعتماد، معیارها و شبکه مبتنی بر رویکردهای جنسیتی مورد ارزیابی و تحلیل قرار بگیرد. به این ترتیب به‌نوعی توجه به سرمایه اجتماعی، شکل‌گیری نحوه کنش‌های زنان و مؤلفه‌های اصلی شبکه‌های کنشگری را برای ما تبیین می‌کند.

۲-۲-۶. بورديو و سرمایه اجتماعی

در میان نظریه‌پردازانی که به سرمایه اجتماعی اشاره دارند، سه نفر بیش از سایرین به تبیین و ارائه چارچوبی مفهومی از این اصطلاح پرداخته‌اند. پیر بورديو یکی از این افراد است. او به سرمایه‌های گوناگونی که ناشی از پژوهش‌ها و مطالعات انسان‌شناسانه فرهنگی اوست دست یافته که نوع سرمایه را برمی‌شمارد: سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی. هرچند تمرکز بیشتری بر سرمایه فرهنگی دارد. نوع خوانش او از سرمایه فرهنگی، او را متمایز از سایر اندیشمندان این حیطه کرد. بورديو سرمایه فرهنگی را مؤثرترین نوع میراث سرمایه می‌داند؛ زیرا برخلاف ثروت اقتصادی مورد توجه و کنترل نیست. با این حال، باید اشاره کرد که او درگیر عقاید جامعه‌شناسانه مارکسیستی است و سرمایه اقتصادی را ریشه اصلی تمام سرمایه‌ها تلقی می‌کند (Field, 2006: 21-24).

بورديو در موضوع سرمایه اجتماعی بر دو موضوع تراکم^۱ و دوام ارتباطات تأکید دارد و آن را مایملک انحصاری برگزیدگان جامعه می‌پندارد (Field, 2006: 26). چیزی که در کنشگری‌های زنان در تشکلهای محلی قابل مشاهده و بررسی است. بورديو سرمایه اجتماعی را این گونه تعریف می‌کند: «سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع منابع فیزیکی یا غیرفیزیکی در دسترس فرد یا گروهی که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده با آشنایی‌های دوجانبه و محترم هستند» (Bourdieu & Wacquant, 1992: 119, as cited in Field, 2006: 23).

۲-۲-۷. کلمن و سرمایه اجتماعی

کلمن، جامعه‌شناس آمریکایی، فرد دیگری است که در تبیین این مفهوم نقش کلیدی دارد. او سرمایه اجتماعی را مختص توانمندان و برگزیدگان جامعه نمی‌داند و آن را نمایانگر منبعی از انتظارات دو طرف تلقی می‌کند که با شبکه‌های اجتماعی گسترده‌تر ارتباطات، اعتماد و ارزش‌های مشترک، بالاتر از افراد قرار می‌گیرد (Field, 2006: 32).

از دیدگاه کلمن، سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی است که گرچه به دست کسانی که آن را تشخیص می‌دهند ایجاد می‌شود، ولی منافع آن شامل تمامی اجزای ساختار است. البته نباید از نظر دور داشت که در تعریف کلمن از سرمایه اجتماعی، رشد کودکان و جایگاه رفیع خانواده مورد توجه است. از این رو است که نابودی خانواده و دیگر انواع تشکیلات اولیه و اصلی مانند تشکیلات مذهبی را موجب نابودی سرمایه اجتماعی می‌داند (Field, 2006: 40-42). البته نباید استفاده کلمن از نظریه انتخاب منطقی را از نظر دور داشت؛ چرا که او در پی پاسخ به تعامل اجتماعی از سوی افرادی است که تمام رفتارهای آنان در زمینه کسب منافع خود است و سرمایه اجتماعی تلاش و راه‌حلی برای این موضوع است که چرا انسان‌ها به همکاری تن در می‌دهند. از این رو دیدگاه کلمن به مثابه دستی نامرئی در نظریه اقتصادی کلاسیک‌ها عمل می‌کند (Field, 2006: 34).

اگر بخواهیم دیدگاه کلمن و بورديو را درباره سرمایه اجتماعی مقایسه کنیم، باید بگوییم که بورديو معتقد است افراد ممتاز با استفاده از ارتباطشان با دیگر افراد ممتاز، سعی در حفظ موقعیت اجتماعی خود دارند. حال آنکه در دیدگاه کلمن دربرگیرنده ارزش ارتباطات برای تمام افراد است، چه فردی و چه جمعی، چه ممتاز و چه محروم (Field, 2006: 43). از این رو کشف ارتباطات و نحوه ارتباطات در کنشگری فعالان زنان موضوعیت پیدا می‌کند و دریافت الگوی کنشگری زنان مبتنی بر نحوه ارتباطات زنان خواهد بود.

۲-۲-۸. سرمایه اجتماعی و کنشگری فرهنگی و اجتماعی زنان

سرمایه اجتماعی درست همان چیزی است که در فعالیت‌ها و کنشگری‌های محلی از سوی فعالان و گروه‌ها و انجمن‌ها و بسیج در اقصی نقاط کشور روی می‌دهد و حال زنان به‌عنوان بخش اثرگذار در این جریان می‌توانند بر فرایندهای جامعه‌سازی مؤثر باشند؛ هرچند الگوی آن‌ها و نحوه ورود و مشارکت و نوع کنشگری‌شان متفاوت است.

از دیدگاه پاتنام، سرمایه اجتماعی کمک‌کننده به رفتار جمعی است؛ یعنی هزینه‌ها را برای نقض‌کننده افزایش می‌دهد، معیارهای خوب دوطرفه را تقویت می‌کند، جریان گردش اطلاعات، شامل اطلاعات مربوط به خوشنامی فعالان را تسریع می‌کند، موفقیت‌های گذشته فعالیت‌های جمعی را نمایان می‌سازد و مانند چارچوبی برای همکاری‌های بیشتر عمل می‌کند (Putnam, 1993: 173, as cited in Field, 2006: 48). همان‌گونه که در فعالیت‌های و کنشگری‌های محلی شاهد هستیم، دو نوع اصلی سرمایه اجتماعی قابل مشاهده است: یکی سرمایه اجتماعی پل‌زن^۱ و دیگری سرمایه اجتماعی میثاقی^۲. دومی تمایل به جلوگیری از دخول دیگران (غیرخودی‌ها) دارد و مایل است همگنی را حفظ کند؛ درحالی‌که اولی به گردهم‌آوردن مردم از بخش‌های مختلف اجتماعی تمایل دارد. هرچند به این دو می‌توان سرمایه اجتماعی اتصالی^۳ را هم افزود که بیانگر همبستگی بین افراد ناهمانند در موقعیت‌های نامشابه است (Field, 2006: 66). پاتنام سه عنصر اصلی سرمایه اجتماعی را اعتماد، شبکه‌ها و معیارها می‌داند که اعتماد در این بین عنصر ضروری برای معیارهایی است که از شبکه‌های اجتماعی حاصل می‌شود.

آنچه امروزه در میان انواع کنشگران اجتماعی و فرهنگی شاهدیم، مبتنی بر تلاشی است که در جهت افزایش سرمایه اجتماعی در موضوعاتی که در بررسی‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی هم به آن‌ها پرداخته شده است مانند تحصیلات، رشد اقتصادی، سلامتی و جراثیم و آسیب‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی صورت می‌گیرد و در هر محور می‌تواند برگ برنده‌ای برای طبقات محروم اجتماعی با سرمایه فرهنگی اندک باشد (Lauglo, 2000: 68) و این درست همان کاری است که کنشگران اجتماعی زن در سطوح محلی به آن دامن می‌زنند و می‌توانند در محلات دچار ضعف سرمایه و مستضعف بر آن غلبه کنند. از طرف دیگر توجه به موضوع سرمایه اجتماعی و انواع آن در این پژوهش، در صورت‌بندی الگوی نحوه کنشگری‌ها و ساختاربندی موضوعی به ما کمک می‌کند.

1. bridging social capital

2. bonding social capital

3. linking social capital

۲-۲-۹. تأثیرات شبکه‌سازی در سرمایه اجتماعی

همان‌طور که اشاره شد، وجه اصلی که در فعالیتهای کنشگران اجتماعی منطبق بر نظریه سرمایه اجتماعی مبتنی است، اعتماد و ایجاد شبکه‌ها است. در این میان کنش‌ها مثلاً در موضوع بهداشت و سلامت فقط ایجاد یا گسترش دسترسی به خدمات نیست، بلکه پذیرش روشی از زندگی است که مشوق سلامتی باشد. از اینجا است که باید اول الگوهای جدید را از مردمی که به آنان اطمینان دارند یاد بگیرند و قبول کنند که خود سبب بهبود خواهند شد (Field, 2009: 1). این نقش مثبت الگوها و حمایت شبکه‌ها در موضوعاتی مانند دور نگه داشتن جرائم نوجوانان نیز دیده شده است (Putnam, 2000: 310-313) که می‌تواند به سایر حیطه‌های آسیب‌های اجتماعی تسری یابد و از این جهت، رویکرد اصلی در کنشگری پیرامون آسیب‌های اجتماعی و... تلقی شود. حتی پژوهش‌های غربی نشان داده است که سرمایه اجتماعی مبتنی بر ایجاد اعتماد به نفس و احترام در مردم، آنان را به دخالت و به‌نوعی امر به معروف و نهی از منکر می‌کشانند. نهی از مصرف مخدر و ایجاد شبکه‌های قوی برای جذب فعالیتهای خوب اجتماعی، ارتکاب اعمال خشونت‌بار را می‌کاهد (Field, 2006: 96-98).

۲-۲-۱۰. آثار منفی سرمایه اجتماعی و کنشگری زنان برای زنان

البته در انتها باید اشاره کرد که سرمایه اجتماعی نیز می‌تواند آثار و پیامدهای منفی نیز به دنبال داشته باشد؛ چنان‌که مطابق دیدگاه وارن، جنبه‌های مثبت و منفی سرمایه اجتماعی به محتوای آن بستگی دارد (Warren, 2001) که نمونه‌هایی از آن را در فعالیتهای و کنش‌های کنشگران اجتماعی شاهد هستیم؛ برای مثال همین اعتماد به هر نوع محتوای ترویجی از سوی تشکلهای و انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و... می‌تواند سبب جهت‌گیری‌های مجرمانه و آسیب‌زا باشد. گاهی نیز فعالیتهای زیادتر از حد (هرچند مثبت و با محتوای مثبت) از سوی انجمن‌ها و تشکلهای و... سبب اختلال در سیاست‌های عمومی و کلان در جامعه می‌شود (Fukuyama, 2001: 8-12, as cited in Field, 2006: 113).

در این بین فعالیتهای مبتنی بر موضوع یا عاملیت زنان می‌تواند این آثار منفی و سوءاستفاده‌ها را تقویت کند؛ چنان‌که بعد جنسیت سرمایه اجتماعی فاسدکننده بسیاری از شاخص‌ها است؛ برای نمونه، تجاوز به عنف معمولاً توسط کسانی گزارش می‌شود که قبلاً به‌گونه‌ای با قربانی در ارتباط بوده‌اند (Field, 2006: 129) و از این‌رو سطح تنش و ناهنجاری‌های مبتنی بر ارزش‌های بومی و محلی در جامعه‌ای مانند ایران را دچار چالش‌های جدی خواهد کرد. به این ترتیب کنشگری زنان

مبتنی بر موضوع زنان راه‌حلی مناسب است که از بخشی از این پیامدها و وجه تاریک سرمایه اجتماعی می‌کاهد؛ چرا که سرمایه اجتماعی توأم با اعتمادهای مخصوص را باید مسبب طرف تاریک سرمایه اجتماعی دانست، ولی کنشگری زنان به روشن شدن این اعتمادها یاری می‌رساند.

۲-۱۱. کنشگری در حیطه محیط زیست

یکی از زمینه‌ها و عرصه‌هایی که کنشگری زنان را بیش از سایر حیطه‌ها پررنگ کرده و همواره شاهدی برای کنشگری زنان بوده، عرصه محیط زیست است. نظریه اکوفمینیستی یعنی تلفیقی از اکولوژی و فمینیسم به عنوان تلاشی در راستای غلبه بر کاستی‌های جریان اصلی جامعه‌شناسی در پاسخگویی به مشکلات زیست محیطی که بوم‌شناسی را مسئله‌ای فمینیستی می‌داند (Enayat & Fathzadeh, 2009: 43). این نظریه نشان می‌دهد زنان به دلایل مختلف اجتماعی، فرهنگی، ساختاری و زیست‌شناختی از مردان عمل‌گراتر هستند؛ بنابراین در حیطه‌ای مانند محیط زیست، انتظار بر آن است که زنان بیش از مردان عملگرا باشند (Alavi, 2020: 57).

باید در نظر داشت که در عرصه‌ای مانند محیط زیست نیز نظریه‌های مربوط به جنبش‌های اجتماعی، عوامل جمعیت‌شناختی را مانع مشارکت زنان در جنبش‌ها عنوان می‌کنند. با وجود این، با کنشگری محیط‌زیستی، زنان فرصت‌های بروز رفتارهای مسئولانه بیشتری خواهند داشت؛ به‌ویژه کنشگری‌هایی که زنان قادرند در محل کار و خانه انجام دهند. به این ترتیب می‌تواند در تقسیم‌کار اجتماعی و سهم بیشتر آنان در امور خانه‌داری، رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی را در آنان تقویت کند (Alavi, 2020: 59).

البته باید خاطر نشان کرد که زنان به علت الگوهای متفاوت جامعه‌پذیری و تجربه متفاوتشان در تقسیم‌کار، دغدغه بیشتری درباره موضوعاتی مانند محیط زیست دارند. به این ترتیب سطح کنشگری‌شان نیز متفاوت خواهد بود و با احتمال بیشتری نگرانی‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های محیط‌زیستی دارند (Alavi, 2020: 60). اما پژوهش علوی (۱۳۹۹) نشان می‌دهد گرچه نگرانی زنان در موضوع محیط زیست بیشتر از مردان است، اما کمبود منابع، کنشگری آن‌ها را محدود می‌سازد و عواملی مانند کمبود زمان برای کنشگری به دلیل کارهای خانگی و مراقبت از فرزندان از جمله این اتفاق‌ها است. با این حال فعالیت‌هایی نظیر خرید محصولات ارگانیک، تفکیک زباله‌ها، استفاده کمتر از محصولات پاک‌کننده ضد محیط زیست و استفاده بیشتر از وسایل حمل و نقل عمومی بیشتر توسط زنان انجام می‌شود (Alavi, 2020: 68)؛ بنابراین محیط زیست نمونه خوبی برای لزوم پرداخت و به‌میان آوردن موضوعات جدید برای گسترش عرصه کنشگری زنان در ایران است. البته

اتخاذ رویکردها و موضوعات بومی به‌ویژه با توجه به نقش‌آفرینی تمدنی و جامعه‌سازی برای زنان در ایران، این عرصه می‌تواند تحولات چشمگیری را رقم بزند؛ به‌طوری‌که کنشگری فعال در عرصه فرزندآوری در کنار کنشگری علمی زنان از پدیده‌هایی هستند که ضرورت بررسی پیدا می‌کنند.

۳. روش پژوهش

در این مقاله به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهیم: کنشگری فرهنگی و اجتماعی زنان پس از انقلاب اسلامی در فعالیتهای و تشکلهای محلی و سراسری در ایران چگونه است؟ الگوی توصیف‌کننده و تبیین‌کننده کنشگری زنان مبتنی بر رویکردها و اهداف انقلاب اسلامی چگونه و دارای چه مؤلفه‌هایی است؟ در همین راستا انتخاب روشی ما روش کیفی است. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه‌ساخت‌مند بهره گرفتیم و آنجا که حجم داده‌ها باید مورد تحلیل قرار می‌گرفت و در قالب یک الگو و نظریه که تبیین‌کننده کنشگری زنان باشد، بهترین راهبرد برای محقق، روش تحلیل داده‌بنیاد محسوب می‌شد.

۳-۱. مصاحبه نیمه‌ساخت‌مند

از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌مند در پژوهش‌های علوم اجتماعی، برای گردآوری اطلاعات از انواع بازیگران اجتماعی، سیاسی، از جمله سیاستمداران، فعالان مدنی و سیاسی، رأی‌دهندگان، شرکت‌کنندگان در یک رویداد مدنی و تماشاگران برنامه‌های تلویزیونی استفاده می‌شود و شاید مهم‌ترین روش برای جمع‌آوری نگرش‌ها و نظرات زمانی است که محقق نمی‌تواند به‌صورت مستقیم رفتار را مشاهده کند (Wilson, 2014: 24). از همین رو، داده‌های اصلی برای دستیابی به الگوی کنشگری زنان مبتنی بر ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساخت‌مند بود که به‌صورت هدفمند و مبتنی بر اشیاء نظری جهت تحلیل و استفاده از روش داده‌بنیاد به‌کار گرفته شد. به این ترتیب از میان فعالان و الگوهای موفق کنشگری زنان در فعالیتهای بسیج یا تشکلهای انقلابی در سراسر کشور این نمونه‌ها انتخاب شد که جدول ۱ معرف این نمونه‌ها است.

جدول ۱. نمونه انتخاب‌شده از میان فعالان و الگوهای موفق کنشگری زنان

ردیف	نام مصاحبه‌شونده	عنوان فعالیت برجسته	توضیحات
۱	خانم دهقان	تهیه تجهیزات برای نیازمندان و زوج‌های جوان	کرمان - ۵۷ ساله
۲	خانم انصاری	تهیه تجهیزات برای نیازمندان و زوج‌های جوان	کرمان
۳	خانم شاهوردی	کمک به نیازمندان (مادر آرزوها)	مشهد و سراسر ایران
۴	خانم پایرنج	تهیه تجهیزات برای نیازمندان و زوج‌های جوان و جلوگیری از طلاق	محله راه‌آهن مشهد

ردیف	نام مصاحبه‌شونده	عنوان فعالیت برجسته	توضیحات
۵	خانم شکوری	گروه مامانای شریف	تهران
۶	خانم اکبری	گروه مامانای شریف	تهران
۷	خانم محمدی	گروه مامانای شریف	تهران
۸	خانم رستمی	کمپ‌های ترک اعتیاد	روستای کلاته برفی - خراسان رضوی
۹	خانم آذرخش	تشویق به فرزندآوری	روستای سرهنگ
۱۰	خانم فرخی	فعالیت متنوع و تربیتی	فرمانده پایگاه
۱۱	خانم مروی زاده	فعالیت متنوع و تربیتی	فرمانده پایگاه
۱۲	خانم آهنگران	فعالیت متنوع و تربیتی	فرمانده پایگاه
۱۳	خانم ابراهیمی	فعالیت متنوع و تربیتی	فرمانده پایگاه - منطقه ۱۷ تهران
۱۴	خانم امیری	فعالیت متنوع و تربیتی	فرمانده پایگاه
۱۵	همسر خانم کریمی	جهادگری در امر سلامت، بهداشت و درمان در مناطق محروم	جهادگر

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۲. روش تحلیل داده‌بنیاد

روش تحلیل داده‌بنیاد، روشی پژوهشی در علوم اجتماعی است که اولین بار توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی، بارنی گلاسر و آنسلم اشتراوس در سال ۱۹۶۷ در کتابی با عنوان کشف نظریهٔ داده‌بنیاد ارائه شد. نظریهٔ زمینه‌ای اصولاً برای ساخت نظریه‌های بنیادی و داده‌محور کاربرد دارد، اما می‌توان از آن برای نقد، بسط و آزمون نظریه‌های صوری نیز استفاده کرد (Strauss & Corbin, 1990, as cited in Habibi, 2014: 305). این روش برای تفسیر داده‌ها از روش‌های گوناگونی بهره می‌گیرد که جدا از یکدیگر نیستند، اما هرکدام جایگاه خود را دارد و شامل «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری گزینشی» می‌شود. سیر مراحل نیز با کدگذاری باز آغاز می‌شود و به کدگذاری گزینشی می‌انجامد. کدگذاری باز شامل تجزیه و بررسی، مقایسه، مفهوم‌سازی و بعد مقوله‌بندی داده‌ها است. در این پژوهش در میان مصاحبه‌های صورت گرفته اقدام به کدگذاری باز با توجه به پرسش‌ها و اهداف پژوهش کردیم که ۴۷۰ کد حاصل شد. کدگذاری محوری فرایند پیوند دادن مقوله‌های اصلی و فرعی شناسایی‌شده در کدگذاری آزاد و محوری است (Zokaei, 2015: 15). در این مرحله ۴۷۰ کد حاصل از مرحلهٔ قبل را منطبق با مدل پارادایمی تقسیم‌بندی کردیم و کدها در پنج دسته یعنی تبیین پدیدهٔ کنشگری، علل، بسترها و شرایط، راهبردها و درنهایت پیامدها جای گرفتند. کدگذاری گزینشی سومین مرحلهٔ کدگذاری است و کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد (Flick, 2009: 337). درواقع کدگذاری گزینشی انتخاب مقولهٔ

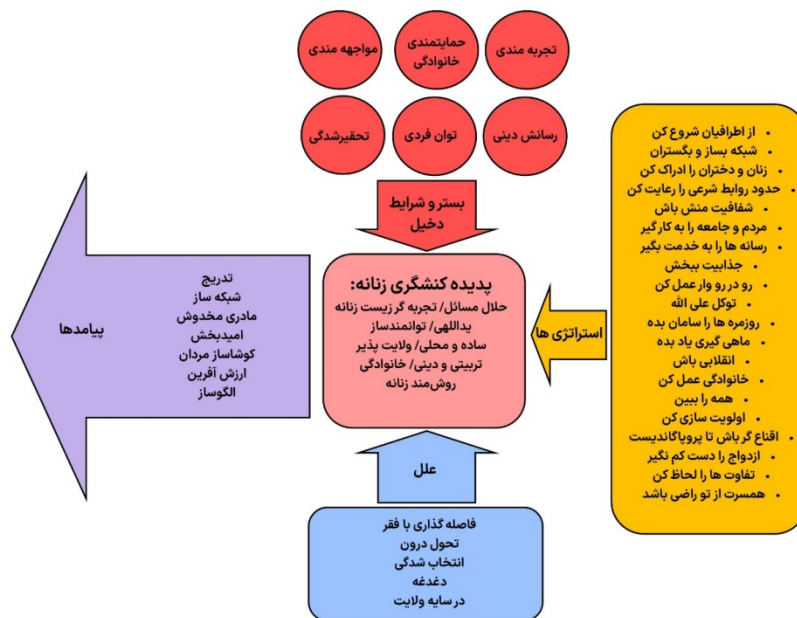
هسته (محوری) با تمرکز کردن بر فرایند اجتماعی بنیادی مشهود در داده‌ها است (Habibi, 2014: 309). در این مرحله، برای بسترها و شرایط ۲۶ کد، برای شرایط علی ۶ کد، برای راهبردها ۴۳ کد، برای تبیین پدیده کنشگری زنانه ۱۲ کد و درنهایت برای پیامدها ۹ کد حاصل شد. برای نگارش نظریه، مقوله‌های مختلف به همدیگر و به متغیر مرکزی مرتبط هستند، محصول نظریه‌پردازی داده‌بنیاد نوشته و شبیه نظریه می‌شود. گلاس (۱۹۷۸) از نگارش نظری بحث می‌کند و یادآوری می‌کند که گزارش باید با زبان سازه‌های نظری به‌دست‌آمده نوشته شود. از نظر روش‌شناسان داده‌بنیاد، شکل نظریه چندان مهم نیست. نظریه ممکن است شامل مجموعه‌ای از قضایا (گزاره‌ها) یا حاوی یک استدلال متعارف باشد. آنچه مهم است این است که انسجام و تجميع عناصر نظریه نباید تحمیلی باشد، بلکه باید مانند خود مقوله‌ها و قضیه‌ها اصلاح‌پذیر، خودظهور و ساخت‌گرا باشد (Mohammadpour, 2010: 314). در این مقاله از روش نام‌گذاری برای تلخیص و ساده‌سازی کدهای گزینشی حاصل بهره گرفته شد.

۳-۳. پایایی و روایی

در پژوهش‌های کیفی، روایی بیش از پایایی مورد توجه است. از این‌رو برای رعایت روایی کدها در مراحل سه‌گانه تحلیل داده‌بنیاد، چندین بار مبتنی بر فن مقایسه دائمی، این کدها ارزیابی شدند تا ضمن مکتوب کردن مصاحبه‌ها و انتقال به مراحل کدگذاری، داده‌ای بدون توجه کنار گذاشته نشود. برای توجه به پایایی در این پژوهش، با رعایت دقیق کدگذاری و مستندسازی، این زمینه برای هر محقق دیگری فراهم شد تا بار دیگر به این کدها مراجعه کند و متوجه شود که کدام گزاره متعلق به‌نظر مصاحبه‌شونده و کدام بخش متعلق به برداشت و تفسیر محقق بوده است (مستندات و مراحل دقیق در قالب ضمایم مقاله، نزد محقق موجود است. علاوه‌براین، با به‌کارگیری یک دستیار پژوهشی برای کنترل تحلیل‌ها به بهینه‌شدن و نتایج حاصل در قالب الگوی کنشگری زنان و در نتیجه پایایی بیشتر پژوهش کمک کردیم.

۴. یافته‌های پژوهش

همان‌طور که اشاره شد، بعد از جمع‌آوری داده‌ها، در راستای بهره‌گیری از روش تحلیل داده‌بنیاد، مراحل سه‌گانه کدگذاری طی شد و درنهایت در مرحله نگارش مبتنی بر روش نام‌گذاری، محقق براساس مدل پارادایمی الگوی کنشگری زنان در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی را در ایران ترسیم کرد که این الگو در پنج بخش، مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی دارد که در ذیل هرکدام را تبیین خواهیم کرد.



شکل ۲. الگوی کنشگری زنان در تشکلهای و فعالیتهای محلی انقلاب اسلامی
منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۱. پدیده کنشگری زنانه

در این الگو پدیده کنشگری زنان خود دارای ویژگی‌هایی است که به تعریف این پدیده در مسیر جریان انقلاب اسلامی کمک خواهد کرد:

۱. **حلال مسائل است:** یعنی کنشگران زن دغدغه اصلی خود را حل مسائل در سطح جامعه با محوریت زنان و دختران جامعه ایرانی قرار داده‌اند و این درست همان چیزی است که در سایر کنشگری‌های فعالان اجتماعی مغفول مانده و به آن پرداخته نمی‌شود:

«یکی دیگر از دخترهای جلسه می‌خواست ازدواج کند، ولی وضع مالی‌شان واقعاً خراب بود. شوهرش هم خیلی پولی نداشت. بهشان پیشنهاد دادیم که اگر با جشن‌های ازدواج آسان راضی‌اند، شروع کنند. ما هم سعی می‌کنیم پولش را جور کنیم. پانصد و خرده‌ای هزار تومان جمع شد و رفتند سر خانه و زندگی‌شان.»

۲. **تجربه گریزست زنانه:** از آنجا که کنشگران زن به بسیاری از مسائل و مشکلات جامعه زنان، موقعیت‌ها و شرایط زنان در جامعه واقف هستند، درک و تجربیات آن‌ها به فهم و شناختی

کامل تر در مسیر حل مسائل زنان خواهد انجامید. این درک با توجه به مقتضیات جامعه و شرایط هر فرد می تواند متفاوت باشد. با وجود این فرهنگ زنانه است که موانع کمتری در مسیر ارتباط گیری و مواجهه با مسائل واقعی زنان و دختران خواهد داشت:

«وقتی از فاطمه پرسیدم آرزویت چیست، جوابش مثل پتکی بود بر سرم. فکر می کردم حداقل آرزوی یک نیازمند یا داشتن لباس و غذا و کار است یا پرداخت قبض آب و برق است و اجاره بها. کی فکر می کردم دختر بچه ای راحت خوابیدن آرزویش باشد؟»

۳. یداللهی: این مطالعه نشان داد توکل و اعتقادات دینی زنان بیش از جامعه مردان در شکل دهی و نحوه کنشگری آنها مؤثر است. چنان که عنصری اصلی در کنشگری در مسیر انجام فعالیتها و اقدامات اجتماعی و فرهنگی محسوب می شود، حضور انواع تشکلهای و فعالیت های دینی با محوریت زنان در جامعه ایرانی گویای این موضوع است؛ هرچند توکل و اعتقاد بر یاری و هدایت الهی از سوی این زنان کنشگر بر حصول به نتایج فعالیتها به اذعان خودشان بسیار مؤثر بوده است.

«لطف خداست. عزتی که خدا داده، وگرنه من که کاری نمی کنم.»

۴. توانمندساز: هر نوع کنشگری زنان به نوعی تلاشی در راستای اثبات توانمندی جامعه زنان و نیز ارتقای این توانمندی در گستره های وسیع تر از ارتباطات فردی است و آنان را قادر می سازد تا بر قدرت اثربخشی زنان در جامعه اسلامی بیفزایند و از این رو، نقشی کلیدی را در جامعه سازی اسلامی را برعهده می گیرند.

«در حلقه شان هم برای بچه ها آموزش می داد و خودش هم آمده بود روی پشت بام خانه شان زعفران کاشته بود. این هم خیلی استقبال شد و خانمها مثل مشتاق شدند که این کار را انجام بدهند؛ چون از لحاظ اقتصادی هم خیلی هزینه خوبی دارد برایشان و کمک خرج خانواده است.»

۵. ساده و محلی: این پژوهش نشان داد نوع کنشهای انتخابی در مسیر فعالیت های فرهنگی و اجتماعی زنان، توجه به حل مسائل کوچک و ساده و نیز در نظر گرفتن مقتضیات فرهنگی و بومی است که بیشتر از کنشهای مردانه نمود دارد؛ بنابراین کنشگران زن ظرافت ها و دقت های فراوانی در طراحی و برنامه ریزی و اقدام امور مورد اهتمام قرار می دهند؛ درحالی که شاید بتوان گفت که مردان رویکرد کلان و کلی تری برای اقدام و کنش انتخابی خود برمیگزینند و این ویژگی تا حدودی به نتایج حاصل از پژوهش علوی (۱۳۹۹) شباهت دارد.

«خانمها دیگر خودشان می روند توی جلسه و برای این کار تبلیغ می کنند. یکی از خانمها می گفت: «من پولی ندارم که کمک کنم، فقط می توانم بیافم.» توی خانه کاموا دارد، با آنها اسکاچ می بافت و هرجایی که می رود، می فروشد. بعد پولش را می دهد به ما تا جهاز بخریم.»

۶. ولایت‌پذیر: شاید این ویژگی، الگوی کنشگری زنان در مسیر گفتمان انقلابی اسلامی را با سایر کنشگری‌های زنانه به‌طور جدی متمایز کند؛ چرا که ولایت‌پذیری در انتخاب کنش، نقطه کلیدی در فعالیت‌ها است؛ چه این ولایت‌پذیری در قالب رهنمودهای رهبری و جایگاه ولی‌فقیه جامعه باشد و خواه ولایت همسر در راهنمایی و هدایت اقدامات؛ درحالی‌که در کنشگری مطلوب غربی، فردگرایی و انتخاب فردی حرف اصلی را می‌زند.

«ولی از آن طرف، آقا یک صحبتی دارند که برای من خیلی دلچسب است. می‌گویند که بعضی‌ها افراط می‌کنند و بعضی‌ها تفریط می‌کنند. بعضی‌ها می‌گویند چون خانواده اجازه نمی‌دهد به اجتماع برسیم، پس خانواده‌ها را کنار بگذاریم و بعضی‌ها می‌گویند چون اجتماع نمی‌گذارد به خانواده برسیم، پس اجتماع را کنار می‌گذاریم؛ درحالی‌که هر دو دیدگاه اشتباه است.»

۷. تربیتی و دینی: این ویژگی بیشتر مبین جنس و نوع کنش‌های برگزیده از سوی زنان است. بررسی الگوهای موفق هم نشان می‌دهد کنشگری زنان در این موضوعات بیش از سایر حوزه‌ها می‌تواند اثرگذاری و همراهی جمعی را به همراه داشته باشد:

«قصدم داریم از این به بعد روی مباحث اعتقادی بچه‌ها کار کنیم. باسوادکردن بچه‌ها هدف اصلی ما نیست. هدف اصلی تربیت دینی و فرهنگی این‌هاست. بچه‌ها را تقسیم‌بندی کردیم. رده ۱۱ تا ۱۵ سال را خودم برداشتم؛ چون با نوجوان‌ها خیلی صمیمی‌تر هستم.»

۸. خانوادگی: این ویژگی تأکید دارد که کنشگری زنانه در نوع طراحی و حتی اقدام و انجام فعالیت‌ها، مصالح و موقعیت‌های خانوادگی را رعایت می‌کند و کنشگر زن بخشی از موفقیت خود را حاصل همراهی خانواده و نیز بهره‌گیری از ظرفیت نهاد خانواده در اثرگذاری فعالیت‌ها و اقدامات خود می‌داند:

«به نظر من خانمی اگر واقعاً قصدش این باشد که بچه زیاد بیاورد، می‌تواند با قناعت و ساده‌زیستی و تحمل سختی‌هایی شوهرش را قانع کند. بیشتر آقایان از فضای تربیتی خیلی اطلاع ندارند و بیشتر نگران مسائل مالی‌اند.»

۹. روشمند زنانه: روش‌های انتخابی برای کنشگری مختص روحیه و فرهنگ زنانه است و آن هم زنان با پشتوانه اعتقادات دینی و باورهای انقلابی که نتایج کار و عملکرد آن‌ها را با سایرین متفاوت می‌کند:

«در کرمان مغازه‌ای هست که برای لوازم نوزاد خیلی کمک می‌کند. آن اوایل دو سه باری رفته بودیم پیشش خرید کرده بودیم. از اینکه همیشه لباس‌های نوزاد و یک سایز می‌خریدیم، فهمیده بود برای خودمان نیست. پرسید: شما این‌ها را برای کی می‌گیرید؟ گفتیم: برای خانم‌هایی که وضع

مالی‌شان خیلی ضعیف است. می‌گیریم تا جلوی بیماران دیگر خجالت نکشند و لباس کهنه نکنند تن بچه‌شان. گفت: «خیلی خب! من هم ماهی یک دست کامل از طرف خودم به شما لباس می‌دهم.»

۴-۲. بستر و شرایط دخیل در کنشگری زنانه

وقتی سخن از بستر و شرایط در مسیر کنشگری زنانه به میان می‌آید، عمدتاً بیان اقتضائات و شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در سطح جامعه مدنظر است که می‌تواند بر کنشگری زنان اثرگذار باشد. گاهی این بسترها نقش تقویت‌کننده و یاریگر دارند و گاهی مانع محسوب می‌شوند. بااین‌حال، تلاش عمده فعالان و کنشگران موفق غلبه بر موانع و بهره‌گیری از شرایط حمایتی بوده است. مهم‌ترین این بسترها و شرایط را می‌توان به‌صورت موارد زیر منطبق با جامعه و فرهنگ ایران فهرست کرد:

- تجربه‌مندی: کسب تجربیات در زندگی، رویدادها و وقایع مانند تجربه مادری، تجربه فعالیت‌های جهادی، مربی‌گری و فعالیت در کانون‌های فرهنگی مساجد و... بستر مناسبی برای فعال‌شدن کنشگر زن بوده است؛
- حمایت‌مندی خانوادگی: یعنی حمایت‌ها از سوی خانواده، همسر و اقوام با توجه به ویژگی فرهنگ ایرانی-اسلامی عنصر و ویژگی قابل‌توجهی در شکل‌دهی شخصیت و کنش‌های زنانه است؛
- مواجهه‌مندی: مواجهه با سختی‌ها و مشکلات متعدد در طول زندگی کنشگر زن یا مواجهه با سایر افراد و گروه‌های اجتماع مثلاً جامعه مردان یا بزه‌کاران و... زمینه بروز ایده و عزم برای برخورد با مسائل در کنشگر را ایجاد می‌کند؛
- رسانش دینی: مواجهه با فعالیت‌های قرآنی، حضور در مسجد و سایر تشکلهای و رسانه‌های دینی و سنتی، قدرت و توانش افزونی را برای کنشگری زنان ایجاد می‌کند؛
- توان فردی: شخصیت کنشگر به‌گونه‌ای است که می‌تواند خود را به‌عنوان یک کنشگر و فعال فرهنگی و اجتماعی بروز دهد و از این استعداد و توانایی درونی برخوردار است. یا شرایط سنی و موقعیت اجتماعی او چنین امکانی را برای او فراهم می‌کند؛
- تحقیرشدگی: همان نگاه و برخورد منفی جامعه و ساختارها، در کنار انواع محدودیت‌های اجتماعی برای حضور اجتماعی زن در جامعه است که مدام برای کنشگر زن مانع‌تراشی می‌کند یا عملاً دست به تحقیر جنسیت زن می‌زند؛ هرچند رویکرد انقلاب اسلامی زمینه‌ساز حضور اجتماعی زنان در جامعه ایرانی بود، اما زمینه‌های فرهنگی و انگاره‌ها و

تصورات قالبی اشتباه باید مانع‌زدایی شود و کنشگر زن باید به مقابله با این بستر برای کنشگری خود اقدام کند.

۳-۴. علل کنشگری زنانه

آنچه زنان را کنشگرانی موفق در اجتماع پیرامونی خود محسوب می‌کند، می‌تواند عللی خارج از شرایط و اقتضائات داشته باشد که ایجاد پدیده کنشگری زنانه را تقویت کند؛ بنابراین مبتنی بر الگوی حاصل می‌توان به موارد زیر به‌عنوان بخشی از این علل اشاره کرد:

- فاصله‌گذاری با فقر: زنان برای ورود به میدان کنشگری باید از فقر فاصله بگیرند و این فقر هم جنبه مالی دارد و جنبه‌های دیگری مانند جنبه‌های فکری و زمان و برنامه‌ریزی را هم شامل می‌شود؛ به‌طوری‌که زمانی که کنشگران زن به شبکه‌سازی دست می‌زنند، فقر سایر افراد مانع از پیوستن آن‌ها به جریان کنشگری می‌شود. به این ترتیب نقطه کلیدی برای فعال‌شدن فاصله‌گیری از فقر از هر جنبه‌ای است؛
- تحول درون: یکی از نکاتی که نقش مهمی در کنشگری زنان داشته، ایجاد و شکل‌گیری یک تحول درونی برای برخی از این فعالان زن بوده است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت حضور زنان بسیار تحت تأثیر یک تحول معنوی درونی بوده و نقشی کلیدی در تغییر رویه روزمره آنان داشته و توانسته آن فرد را به یک کنشگر و فعال فرهنگی و اجتماعی تبدیل کند؛
- انتخاب‌شدگی: از آنجا که تحول درونی در میان کنشگر او را به سمت این فعالیت‌ها سوق داده، احساسی در درون کنشگر پدیدار می‌شود که خود را انتخاب‌شده برای انجام تغییر می‌داند و از این‌رو، بسیار مصمم و با انگیزه پا به میدان کنشگری می‌گذارد؛
- دغدغه: هرچه کنشگر دغدغه‌مندتر باشد، این کنشگری گسترده‌تر و بادوام‌تر است. در این میان دغدغه‌های تربیتی کنشگر در قبال زنان و دختران وجه پررنگ‌تری را در فعالیت‌های کنشگران دارد؛
- در سایه ولایت: با توجه به اینکه زنان کنشگر انقلابی خود را در جامعه ولایی و تحت تأثیر ولی‌فقیه مبتنی بر رویکرد انقلابی اسلامی تعریف می‌کنند و به‌نوعی در جامعه، ارتباطات ولایی حاکم است، رهنمودها و بیانات رهبر انقلاب اسلامی و نقش‌دهی به زنان در جامعه‌سازی بیش از پیش در کنشگری آن‌ها مؤثر است؛ چنان‌که با گشودن و تبیین

عرصه‌های جدید، این کنشگران زن نیز عرصه‌های جدیدی برای حرکت در مسیر انقلابی‌گری خود تعریف می‌کنند.

۴-۴. راهبردهای کنشگری زنانه

اگر بخواهیم راهبردهای منتخب کنشگران زن را احصا کنیم، فهرستی طولانی حاصل خواهد شد، اما موارد زیر شاید مهم‌ترین راهبردهایی است که در بیان و تجربیات بیشتر این کنشگران مشترک بوده است و بخشی از این راهبردها اصول حاکم بر فعالیتهای کنشگری زنانه مبتنی بر رویکرد انقلاب اسلامی را هویدا می‌سازد:

- شروع از اطرافیان: اقوام، خانواده و دوستان حلقه اول و اولویت برای هر نوع اقدامی است.
- شبکه‌سازی: شبکه‌سازی مهم‌ترین راهبرد و راهبرد برای سامان‌دهی و انجام فعالیت‌ها و اقدامات در حیطه‌های کنشگری است و همان تقویت‌کننده در مسیر افزایش سرمایه اجتماعی.
- ادراک زنان و دختران: بدون درک و فهم مسائل و دغدغه‌های زنان و دختران با هر طیف فکری و سنی امکان فعالیت و اقدام وجود ندارد.
- رعایت حدود روابط شرعی: توجه و پایبندی به اصول روابط زن و مرد، نحوه حضور یک زن مسلمان برای فعالیت در اجتماع براساس مبانی اسلامی محور انتخاب‌ها باشد.
- شفافیت: تا جای ممکن، نوع فعالیت‌ها را برای مردم باید شفاف کرد و کنشگر زن برای جلب اعتماد و همراهی مردم و جامعه از این راهبرد باید استفاده کند.
- به‌کارگرفتن مردم و جامعه: فقط نقش‌آفرینی کنشگر و همفکران او لازم نیست، بلکه برای اثرگذاری باید به همگان و در هر سطح و مرتبه نقش‌سپاری کرد و مشارکت دیگران را جلب کرد.
- به‌خدمت‌گرفتن رسانه‌ها: ظهور رسانه‌های جدید مانند رسانه‌های اجتماعی ظرفیت خوبی برای فعالیت‌ها به‌ویژه شبکه‌سازی است. علاوه بر آن، برخورداری از دانش لازم برای حضور و بهره‌گیری از آن در مسیر فعالیت‌ها برای کنشگر زن ضروری است.
- جذابیت: لحن، بیان و رفتار فرد کنشگر باید جذاب باشد و تا جای ممکن از رفتارها و کنش‌های واگرایانه خودداری شود. البته جاذبه و دافعه در کنار هم در امر کنشگری وجود دارد.

- عملکرد رودررو: بهره‌گیری از ارتباطات چهره‌به‌چهره و ارتباطات میان‌فردی به عمق‌بخشی و اثرگذاری فعالیت‌ها کمک می‌کند.
- توکل: توکل به خداوند در اقدامات و فعالیت‌ها با توجه به نیت الهی در انجام فعالیت‌ها نباید از یاد برود و این توکل و استعانت الهی است که رفع کمبودها و هدایت را در مسیر کنشگری به همراه خواهد داشت. البته کسب تعالی معنوی در مسیر فعالیت‌ها از سوی کنشگر امری ضروری است.
- سامان‌دادن روزمره‌ها: از اقدام خرد و کوچک برای کنشگری باید استفاده کرد. از یک کار خیر کوچک یا کمک به همسایه می‌توان شروع کرد. شروع می‌تواند از امور روزمره و عادی باشد.
- توانمندسازی: در مسیر فعالیت‌ها، توانمندسازی افراد باید محور قرار بگیرد، نه اینکه صرفاً به رفع نیازهای مادی نیازمندان پرداخت. طراحی و آموزش به افراد محور فعالیت‌ها باشد.
- انقلابی‌بودن: اندیشه و تفکر کنشگر برای انجام کنشگری باید مجهز به اندیشه‌های انقلابی باشد. اندیشه‌ها و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌تواند در حفظ روحیه انقلابی کنشگران مؤثر باشد.
- عملکرد خانوادگی: کنشگر زن اقدامات و فعالیت‌های خود را باید با محوریت خانواده و اعضای خانواده خود مانند همسر و فرزندان سامان‌دهی کند. در درجه بعد خانواده خویشان و اطرافیان و حتی دوستان و ظرفیت نهاد خانواده در عمق‌بخشی به فعالیت‌های کنشگر نقش کلیدی دارند.
- شمول: توجه به همه گروه‌ها و بخش‌های جامعه به‌ویژه زنان و دختران ضروری است، از کودکان گرفته تا نوجوانان و سالمندان. همه این گروه‌ها را در فعالیت‌ها باید مورد توجه قرار داد.
- اولویت‌سازی: از آنجا که امکان انجام همه امور و موضوعات وجود ندارد، کنشگر باید برای خود اولویت‌های اقدام مشخص کند و براساس آن دست به اقدام بزند.
- اقتناع: قرار نیست فریب و حيله و دستیابی به مقصود، از سوی کنشگر دنبال شود، بلکه این تعامل بین جامعه و کنشگر و فهم دوسویه و تعاملی است که مسیر اقتناع را پیش می‌برد؛ بنابراین ابزارها قرار است مبتنی بر اقتناع باشد، نه تحمیل نظر و آرای کنشگر به‌ویژه در فعالیت‌های تربیتی و فرهنگی.

- اهمیت به ازدواج: یک کنشگر مجرد و بدون پشتوانه خانوادگی، اثرگذاری کمتری در سطح جامعه و حتی شناخت و فهم و درک مسائل جامعه دارد. به این ترتیب تشکیل خانواده و ازدواج باید از اولویتهای زندگی یک کنشگر زن باشد.
- توجه به تفاوتها: نحوه کنشگری برای هر نوع مخاطب متفاوت است؛ بنابراین باید مخاطب، زمینهها و شرایط فرهنگی و اجتماعی، موقعیتهای در تصمیمگیری و نوع اقدامها لحاظ شود.
- رضایت همسر: کنشگر زن بدون مشورت و همراهی همسر قادر نیست مؤثر باشد. به این ترتیب کسب رضایت همسر در فعالیت نقطه کلیدی و مقوم فعالیتهای و کنشگری زن با رویکرد انقلابی است.

۴-۵. پیامدهای کنشگری زنانه

- وقتی سخن از آثار و پیامدهای کنشگری زنانه به میان می‌آید، قطعاً پیامدهای مثبت و منفی در کنار هم قرار می‌گیرند که لزوم توجه برای کم کردن آثار منفی و تقویت آثار مثبت سیاست و راهبرد کنشگری است:
- تدریج: این ویژگی به نوع اثرگذاری و پیامدها اشاره دارد که اصلاح تدریجی در رفتارها و نگرشهای زنان و دختران امری زمان‌بر است. نتایج فعالیتهای در یک بازه زمانی نسبتاً طولانی قابل مشاهده است.
 - شبکه‌ساز: از پیامدهای اصلی کنشگری زنانه در سطح محلی ایجاد و شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی و حمایتی برای انجام فعالیتهای است که گاه در سطح یک محله و گاه از سطح منطقه فراتر می‌رود و بعد ملی به خود می‌گیرد و می‌تواند بسترساز فعالیتهای و اقدامات بعدی باشد.
 - مادری مخدوش: کنشگر زن علی‌رغم اینکه با همراهی خانوادگی، همسر پا به میدان کنشگری می‌گذارد، اما درگیری در این میدان عمل سبب می‌شود تا نقش مادری او در محیط خانواده مخدوش شود که یکی از پیامدهای منفی کنشگری زنانه است و نیازمند نظریه‌پردازی و ارائه راهکار برای کاهش این اثر منفی است.
 - امیدبخش: گسترش کنشگری زنان خود قدرت امید و تحول را به جامعه زنان تزریق می‌کند و این امر رؤیای آینده روشن را در جامعه زنان تقویت می‌کند که زنان می‌توانند نقشی کلیدی در جامعه‌سازی و توسعه و پیشرفت کشور برعهده داشته باشند.

- کوشاساز مردان: حضور و فعالیت‌های گسترده زنان و پا به میدان‌های مختلف گذاشتن سبب می‌شود که جامعه مردانه پیرامونی واکنش نشان دهد و آن‌ها نیز در حد توان و انگیزش در این نوع از فعالیت‌ها پا به میدان بگذارند و جامعه مردانی که گاهی به مسائل فرهنگی و اجتماعی بی‌توجه بوده‌اند، به‌ویژه اطرافیان کنشگر زن، فعال شوند و انگیزه برای اقدام پیدا کنند.
- ارزش‌آفرین: کنشگری زنانه انقلابی می‌تواند در روند توسعه و پیشرفت کشور نقش‌های جدیدی را برای زنان تعریف کند و حوزه‌هایی مانند فعالیت‌های اقتصادی زنان برای نقش‌آفرینی در اقتصاد کشور را با مفاهیمی مانند نقش تربیتی و فرهنگی زنان در رشد و پیشرفت کشور جایگزین کنند؛ یعنی این گفتمان در جامعه علمی و عموم جامعه تزریق شود که فعالیت‌های زنانه برای بهبود نقش تربیتی زنان همان اندازه در توسعه کشور مؤثر است که فعالیت‌های اقتصادی و کار و اشتغال مردان.
- الگوساز: این کنشگری می‌تواند جامعه زنان و دختران کشور را که با الگوهای غربی و کلیشه‌های ثابت که همه به‌نوعی مخل خانواده و جایگاه واقعی زن در نگاه اسلامی‌اند، با الگوهای بومی و با رویکرد انقلابی و اسلامی جایگزین کند و خود زمینه ترویج کنشگری زنان در جامعه ایرانی شود.

۵. بحث

مطالعه حاضر با هدف تبیین الگوی کنشگری زنان در تشکلهای و فعالیت‌های محلی انقلاب اسلامی صورت گرفت و با بهره‌گیری روش داده‌بنیاد، مبتنی بر الگوی پارادایمی سعی کرد که این الگو را صورت‌بندی کند. نکته حائز اهمیت در این الگو بهره‌گیری از تجربیات و کنش‌هایی است که در عرصه مطالعات علوم اجتماعی و زنان جامعه ایرانی همواره مبتنی بر پارادایم غرب‌گرای حاکم بر علوم اجتماعی و حتی انتقادی با رویکرد حذفی و نادیده‌انگاری روبه‌رو است و به‌نوعی می‌توان گفت بخش عمده‌ای از زنان کنشگر جامعه ایران که کار تربیت نسل و ارزش‌آفرینی انقلابی را برعهده داشته‌اند، علی‌رغم تمامی تحریم‌ها و تهدیدها از جانب فرهنگ غربی مسلط در بطن جامعه، همچنان ارزش‌های انقلابی و اسلامی را در این زیست‌بوم فرهنگی تقویت کرده‌اند و در میان مطالعات اجتماعی که همواره در پی الگوسازی تقلیدی از غرب و استعمار فکری در زمینه ارزش‌آفرینی بوده و هست، تلاش کرد تا گامی اولیه برای این صورت‌بندی بردارد؛ بنابراین وقتی به این الگو نظر

می‌اندازیم، عناصر و مؤلفه‌های انقلابی و اسلامی هویدا می‌شود و آن درست همان چیزی است که باید محور سیاست‌گذاری اجتماعی و زنان ایرانی قرار گیرد.

مبتنی بر این مطالعه در تبیین پدیده کنشگری زنانه، زنی که حلال مشکلات است و خود را دارای مسئولیت اجتماعی می‌داند، این را توفیق و لطف خداوند می‌داند که در چنین مسیری توفیق یافته تا در سطح جامعه گام برمی‌دارد؛ بنابراین با عنوان یداللهی بودن زنان کنشگر از آن یاد می‌شود. از سوی دیگر، این کنشگر زن ولایت‌پذیر است؛ به نوعی که خود را به عنوان یک مأموم در جامعه مبتنی بر نظام ولایی و ولایت‌فقیه تعریف می‌کند و حاضر است خود را به مشقت بیندازد تا امر ولی جامعه را اطاعت کند. به این ترتیب در این مسیر خستگی‌ناپذیر خواهد بود. از طرف دیگر، توجه به تربیت به‌ویژه امور دینی و اعتقادی دارد که درون‌مایه لازم را برای انواع کنشگری او می‌دهد و شاید مهم‌ترین وجهی که او را از سایر مدل‌های کنشگری غربی و تقلیدی غرب‌گرا جدا می‌سازد، خانواده‌مدار بودن کنش‌های او است که با آگاهی از نقش خانوادگی خود به کنشگری می‌پردازد؛ بنابراین، همین مرور نسبت به توصیف پدیده کنشگری زنان انقلابی نشان می‌دهد ما با یک الگوی متفاوت مواجهیم و همین ویژگی‌ها خواهد بود که توانسته علی‌رغم تمامی تهدیدهای بیرونی به نهاد جامعه ایرانی، زن کنشگر انقلابی هویت خود را حفظ کند و به عنوان یک الگو و الگوساز نقش ایفا کند. البته توجه به علل، بستر و شرایط دخیل و راهبردهای به کاررفته نیز چنین تمایزی را به خوبی نشان می‌دهد.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، نحوه کنشگری زنان در ایران اسلامی مبتنی بر فعالیت‌های و کنشگری‌های انقلابی صورت‌بندی شد و براساس گستره فعالیت‌ها، در قالب یک الگو صورت‌بندی شدند تا ضمن برشمردن بستر و شرایط دخیل، علل و عوامل و راهبردهای به کاررفته که به پدیده کنشگری زنان انقلابی منجر می‌شود توصیف و درنهایت پیامدهای آن احصا شود. از سوی دیگر، دستیابی به یک الگو برای تبیین و توصیف کنشگری زنان با رویکرد انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی است که کمتر در حیطه مطالعات علوم انسانی و اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی به آن پرداخته شده است. این مقاله با چنین رویکردی سعی کرد پا به میدان عمل زنان موفق در کنشگری انقلابی بگذارد و با بهره‌گیری از روش مصاحبه، داده‌های مناسبی برای تحلیل گردآوری کند و متکی به روش تحلیل داده‌بنیاد، این الگوی کنشگری را مبتنی بر داده‌ها و تجربیات واقعی زنان جامعه ایران ترسیم کند. در این الگو احصای عوامل، شرایط و راهبردهای مبتنی بر مقتضیات بومی ایران آن را

به نوعی متمایز با تمامی تلاش های علمی در حیطه کنشگری زنان کرد؛ چنان که با عواملی مانند تحقیرشدگی مواجه است، اما حمایت مندی خانوادگی را دارد. در این الگو زنی کنشگر است که حلال مسائل است، تجربه گر زیست زنانه است، اعتقادات و باورهای عمیق الهی دارد و خود را یدالله می داند و بر توکل و توسل الهی در انجام فعالیت ها متکی است، به دنبال توانمندسازی واقعی جامعه زنان است، از ظرفیت های ساده و محلی برای کنشگری بهره می گیرد، ولایت پذیر است، رویکرد تربیتی و دینی در فعالیت ها دارد، تمام کنش های خانوادگی و براساس نهاد خانواده است و درنهایت روش های زنانه را برای فعالیت های خود برمیگزیند.

در این میان، این الگو به آثار و پیامدهایی در سطح جامعه اشاره دارد؛ از جمله شبکه سازی و ارزش آفرینی و الگوسازی که به نوعی همان نقش تقویت کننده سرمایه اجتماعی مبتنی بر رویکرد انقلابی را دارد. با این حال یکی از پیامدهای منفی کنشگری زنان با رویکرد انقلابی، مخدوش شدن نقش مادری است که لطافت جدی به نهاد خانواده می زند و حتی اثرات جبران ناپذیری در سرمایه اجتماعی انقلابی خواهد داشت. این پیامد منفی نیازمند اندیشه ورزی و ارائه راهکارهایی برای کاهش اثرات منفی است. ذکر این نکته ضروری است که این مقاله به احصای راهبردهایی دست یافت که می تواند راهبردهای توسعه و ایجاد پدیده کنشگری زنانه انقلابی باشد و نقشی کلیدی را در بهبود کارایی جامعه و حمایت از شبکه ها و مشوق روشی از زندگی سالم مبتنی بر تفکر و رویکرد انقلاب اسلامی ایفا کند. خانوادگی عمل کردن، اقناع گری، شبکه سازی و شروع از اطرافیان، به کارگیری مردم و جامعه بخشی از این راهبردها محسوب می شود.

در انتها باید اشاره کرد که این پژوهش زمینه ای را ایجاد کرد که می تواند مقدمه پژوهش های دیگری مبتنی بر احصای الگوها و زمینه موضوعی فعالیت های تخصصی کنشگران باشد. از سوی دیگر، لزوم پرداخت ویژه به آسیب شناسی دقیق تر از کنشگری زنان و ارائه راحل ها را برای این آسیب ها مورد تأکید قرار می دهد. درنهایت توجه به نمونه ها و گستره بیشتری از زنان الگوساز که بتواند به ارائه یک الگوی بهینه کنشگری زنان در تشکل ها و فعالیت های محلی بینجامد، امری ضروری برای کاوش از سوی سایر پژوهشگران و علاقه مندان به این موضوع است.

۷. پیشنهادها

- پیشنهاد می شود مفهوم «کنشگری زنانه» در ادبیات علوم اجتماعی ایران، فراتر از مشارکت اجتماعی صرف و با تأکید بر مؤلفه هایی مانند حل مسئله، نقش های خانوادگی و روشمند زنانه بازتعریف شود. انجام مطالعات میدانی درباره کنشگری زنان در حوزه های تخصصی ای

نظیر محیط زیست، تعلیم و تربیت، اقتصاد محلی و فعالیتهای جهادی و خیریه می تواند به تکمیل و بهینه سازی الگوی ارائه شده کمک کند.

- پیشنهاد می شود پژوهش های مستقلی به آسیب شناسی پیامدهای منفی کنشگری زنانه، به ویژه تضعیف نقش مادری، اختصاص یابد و راهکارهایی عملی برای کاهش این آسیب ها ارائه شود. به عبارتی به جای تمرکز صرف بر اشتغال و توانمندسازی اقتصادی، کنشگری تربیتی، فرهنگی و اجتماعی زنان به عنوان شاخصی مهم از توسعه اجتماعی در نظر گرفته شود.
- بررسی تجربه زیسته زنان کنشگر در نسل های مختلف (دختران، مادران، زنان میانسال) می تواند به پویایی و تعمیم پذیری بیشتر الگو منجر شود. ترویج الگوهای موفق کنشگری زنانه بومی می تواند در جایگزینی الگوهای غربی و کلیشه ای در میان دختران و زنان جوان مؤثر واقع شود.
- پیشنهاد می شود پژوهش های آتی، کنشگری زنانه را در سطوح محلی، منطقه ای و ملی به صورت مقایسه ای بررسی کنند تا تفاوت های زمینه ای بهتر آشکار شود.

۸. سپاسگزاری

از استادان محترم، مصاحبه شوندگان و تمامی همکارانی که در تألیف و تدوین این اثر پژوهشی با ما همکاری کردند، کمال قدردانی را داریم.

۹. تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافی توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Afazli, R., Iranikhah, A., & Momeni, H. (2018). Examining the role of non-governmental organizations (NGOs) in the prevention of social harms: A case study of Tehran city. *Geography and Human Relations*, 1(1), 569-592. <https://doi.org/20.1001.1.26453851.1397.1.1.34.5> (In Persian)
- Alavi, L. (2020). Gender gap in environmental activism: A sociological analysis. *Environmental Studies*, 46(1), 55-70. <https://doi.org/10.22059/jes.2020.301354.1008009> (In Persian)

- Badsar, M., & Ghasemi, M. (2017). A gender analysis of women's participation in non-governmental organizations. In *Proceedings of the Second International Conference on Socio-Cultural Studies and Religious Research* (July 2, 2017, Rasht, Iran). (In Persian)
- Barrios, A., Taborda, R., & Rueda, X. (2025). Time Poverty: An Unintended Consequence of Women Participation in Farmers' Associations. *Social Indicators Research*, 178(1), 225-253. <https://doi.org/10.1007/s11205-025-03571-4>
- Blue, S. A. (2005). Including women in development: guatemalan refugees and local NGOs. *Latin American Perspectives*, 32(5), 101-117. <https://doi.org/10.1177/0094582X05279507>
- Bourdieu, P., & Wacquant, L. J. (1992). *An invitation to reflexive sociology*. University of Chicago press.
- Campbell, J. (2016). Local NGOs and their empowerment of women. *Local NGOs and their empowerment of women*.
- Clayton, A., Oakley, P., & Taylor, J. (2000). *Civil society organizations and service provision* (pp. 1-23). Geneva, Switzerland: United Nations Research Institute for Social Development.
- Enayat, H., & Fathzadeh, H. (2009). A theoretical approach to the concept of ecofeminism. *Sociological Studies*, 2(5), 45-63. (In Persian)
- Ferrín Pereira, M., & Paleo Mosquera, N. (2025). Pushing for Gender Mainstreaming: Women's Presence and Alliances at the Local Level in Spain. *Social Politics: International Studies in Gender, State & Society*, jxaf037. <https://doi.org/10.1093/sp/jxaf037/8232799>
- Field, J. (2006). *Social capital*. Translated by: J. Motaghi. Tehran: Higher Institute of Social Security Research. (In Persian)
- Flick, U. (2008). *An introduction to qualitative research*. Translated by: H. Jalili. Tehran: Ney. (In Persian)
- Fukuyama, F. (2001). Social capital, civil society and development. *Third world quarterly*, 22(1), 7-20.
- Gharamaleki, A. F., & Eskandari, M. (2009). *Ethics in non-governmental organizations*. Tehran: Presidential Office, Center for Women and Family Affairs. (In Persian)
- Golshan-Pazhouh, M. R. (2007). *A guide to non-governmental organizations*. Tehran: Abrar Moaser Institute. (In Persian)

- Habibi, G. (2014). *Methodological insight into research in the social sciences: Paradigms, methods, and techniques*. Tehran: Ketab-e Hameh. (In Persian)
- Hilborn, J., & Leps, A. (2005). "Crime Prevention Policy in Estonia". In E. Marks, A. Meyer, & R. Linssen (Eds.), *Quality in crime prevention*. Norderstedt: Books on Demand GmbH.
- Islamic Republic News Agency. (2019, July 23). *The establishment of women's associations as an indicator of development*. Retrieved on September 23. (In Persian)
- Justin, M. E., Cherian, N., & Mathew, V. (2025). A 30 Year bibliometric analysis on the role of women self-help groups in achieving well-being and sustainable development goals. *Discover Sustainability*, 6(1), 1173. <https://doi.org/10.1007/s43621-025-01942-y>.
- Lauglo, J. (2000). "Socila Capital Turmping Class and Cultural Capital?" Engagment with school among immigrant youth, pp 142-67 in s. Baron, J. field. & t. Schuller (eds), *Scoial Capital: critical prespectives*, Oxford university Press.
- Lenka, U., & Agarwal, S. (2017). Role of women entrepreneurs and NGOs in promoting entrepreneurship: case studies from Uttarakhand, India. *Journal of Asia Business Studies*, 11(4), 451-465. <https://doi.org/10.1108/JABS-07-2015-0088>
- Mahboobi Shariatpanahi, N. S., Roknoddin Eftekhari, A., & Fallahi, L. (2021). A study of the relationship between factors affecting NGO participation and women's access to citizenship in Iran. *Intercultural Studies Quarterly*, 16(46), 61-88, <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.350968.1008273> (In Persian)
- Malekzadeh, E. (2017). Women and charitable welfare-health institutions in Iran from the constitutional era to the end of the second Pahlavi period. *Historical Research on Iran and Islam*, 11(21), 233-256. <https://doi.org/10.22111/jhr.2018.4033> (In Persian)
- Mehr News Agency. (2023, January 4). *Head of the national Basij neighborhood organization: 60,000 Basij resistance bases are active across the country*. Retrieved September 3, 2023. (In Persian)
- Mitra, A. (2011, January). Feminist organizing in India: A study of women in NGOs. In *Women's Studies International Forum* (Vol. 34, No. 1, pp. 66-75). Pergamon. <https://doi.org/10.1016/j.wsif.2010.10.003>

- Moeinoddini, Z., Sohrabi, F., Delavar, A., & Karimnejad Niaraki, S. (2014). A comparison of identity styles and the prevalence of mental disorders among imprisoned women based on type of crime. *Journal of Women and Family Studies*, 2(1), 131–149. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2014.1519> (In Persian)
- Mohammadpour, A. (2010). *Anti-method: Logic and design in qualitative methodology* (Vol. 1). Tehran: Jame'e Shenasan Publications. (In Persian)
- Mohammadpour, A. (2011). *Anti-method: Qualitative research methodology II—Scientific stages and procedures* (Vol. 2). Tehran: Jame'e Shenasan Publications. (In Persian)
- Mohseni, R. A., Khoshfar, G., Ghorban, A., & Ebrahimi, M. (2016). Factors influencing women's motivation for participation in non-governmental organizations. *Women and Society (Sociology of Women)*, (4), 167–190. (In Persian)
- Pirveisi, M., & Shirkhani, A. (2020). The role of women's participation in developing the capacities of non-governmental organizations (NGOs). *Journal of Women and Family Studies*, 8(2), 115–136. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2020.24167.1996> (In Persian)
- Putnam, R. D. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton University Press.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: the collapse and revival of American community*, Simon and Schuster, New York.
- Richa, N., & Saraswati, R. (2017). Women, NGOs and the contradictions of empowerment and disempowerment: A conversation. In *Development* (pp. 261-276). Routledge.
- Role and Functions of NGOs. (2022). Retrieved March 30, 2023, from geeksforgeeks: <https://www.geeksforgeeks.org/role-and-functions-of-ngos/>
- Samaei Sahneh-Saraei, M., Khasto, R., & Moghimi, S. (2022). An analysis of the patterns of action among female activists in political parties and NGOs during the 1990s and 2000s in Iran. *Women in Development and Politics*, 21(2), 259–285, <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.336913.1008142> (In Persian)
- Saraite-Sariene, L., Galán-Valdivieso, F., Alonso-Canadas, J., & Garcia-Tabuyo, M. (2022). The role of women's leadership in environmental NGOs' online accountability. *Online Information Review*, 46(4), 660-677. <https://doi.org/10.1108/OIR-09-2020-0403>

- Varvahi, A., Mohammadi, H., & Nourian, A. (2016). The participation of non-governmental organizations in the criminal justice process. *Encyclopedia of Law and Politics*, 28, 27–43. <https://doi.org/10.5539/jpl.v9n9p110> (In Persian)
- Warren, M. E. (2001). “Social Capital and Corruption” paper present at EURESCO Conference on Social Capital, University of Exeter.
- Werner, C. (1999). *Female endowers (waqifāt) in Qajar-era Tehran*. Translated by: N. Majidi Ghahroudi. Tehran: Waqf-e Mirath-e Javidan. (In Persian)
- Zhang, X. (2024). Female Agency in Rural Public Participation: Actions and Strategies for Empowering Social Organizations in Dilemmas, *Proceedings of the 3rd International Conference on International Law and Legal Policy*. <https://doi.org/10.54254/2753-7048/55/20240128>